

زانا نځنځي پږگي وځالي آست!



Michael Oguttu ✎

Vusi Malindi ✎

Marzieh Mohammadian Haghighi! 📧

۱۱ ۲

فارسي 🗣️

Fa



Global Storybooks

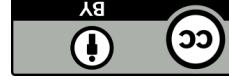
globalstorybooks.net

زانا نځنځي پږگي وځالي آست!

Michael Oguttu ✎

Vusi Malindi ✎

Marzieh Mohammadian Haghighi! 📧



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 3.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0)
<https://creativecommons.org/licenses/by/3.0>



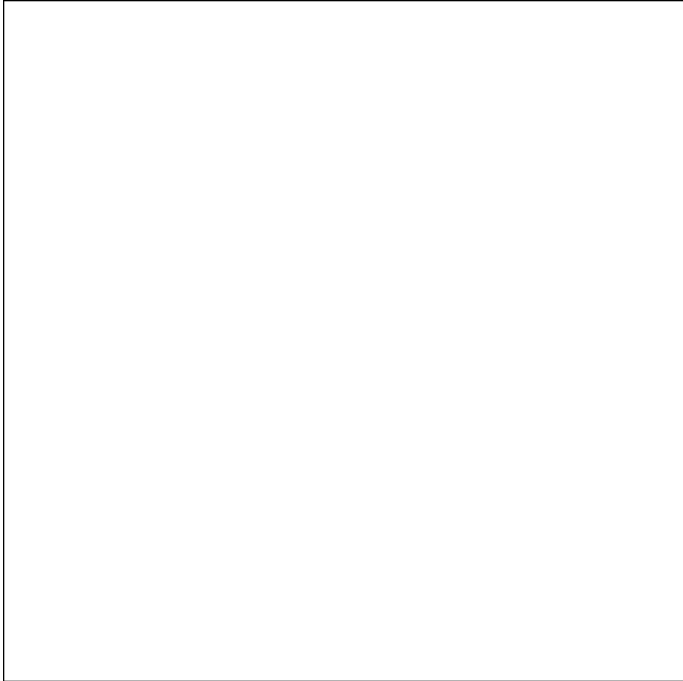


بَرادِرِ كوچكَم تا دِير وَقت ميخوابَد. مَن زود
بيدار مي شوم چون مَن بزرگ وَعَلَى هَسْتَم!

تأثیر

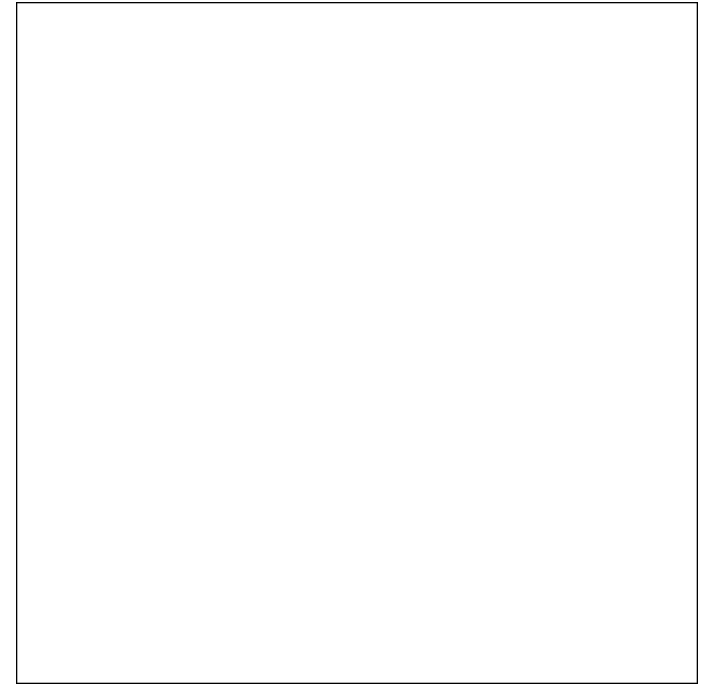
لجاء به جوشید به داخل
آغاز می دهی که نور

همین کسی هستم که با نا نا
پیشانی پنداره





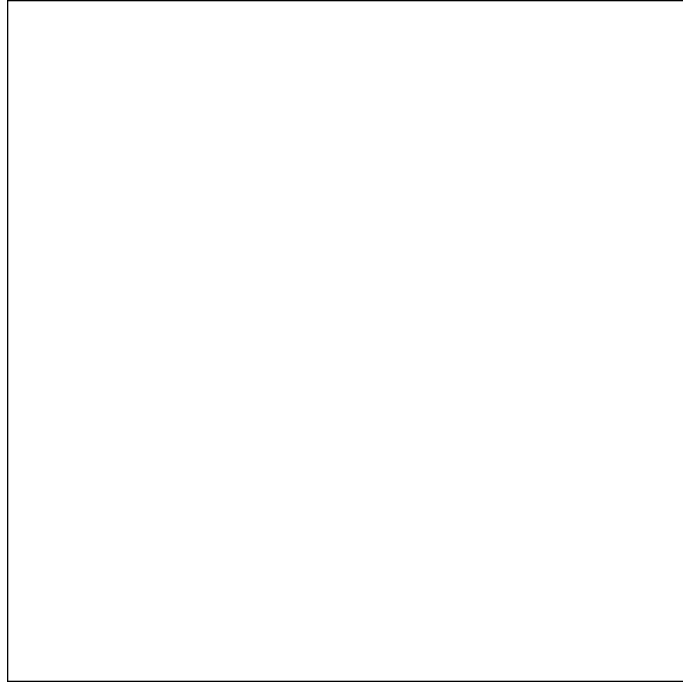
مادر می گوید: “تو ستاره ی صبح من هستی”



من تمام این کارهای خوب را هر روز انجام می دهم. ولی کاری که بیشتر از همه به آن! علاقه دارم، بازی کردن و بازی است.

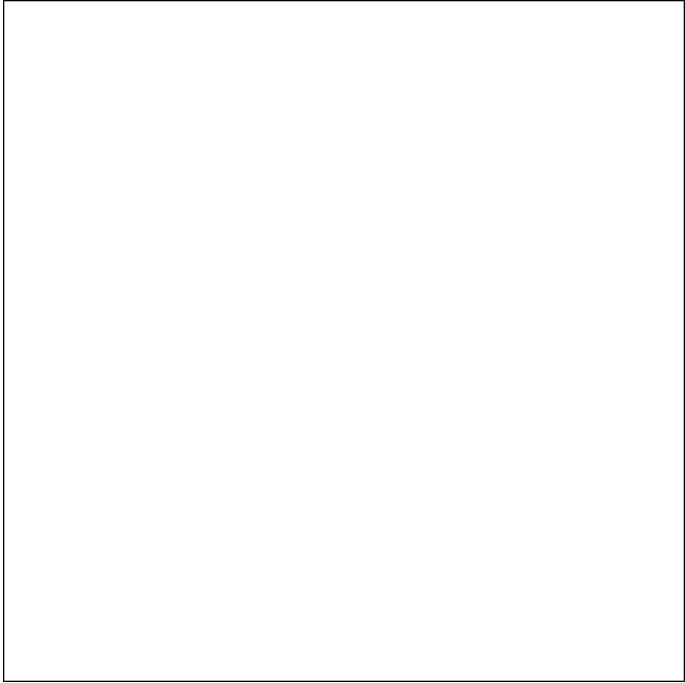
لا می‌کنم.

زمنه زمنه تمام تلاشم را در همه ی زمینه
در کلاس من تمام تلاشم را در همه ی زمینه



کمک هیچکس نیازی ندارم.

من خودم را به تنهایی می‌شنویم، من به
من خودم را به تنهایی می‌شنویم، من به





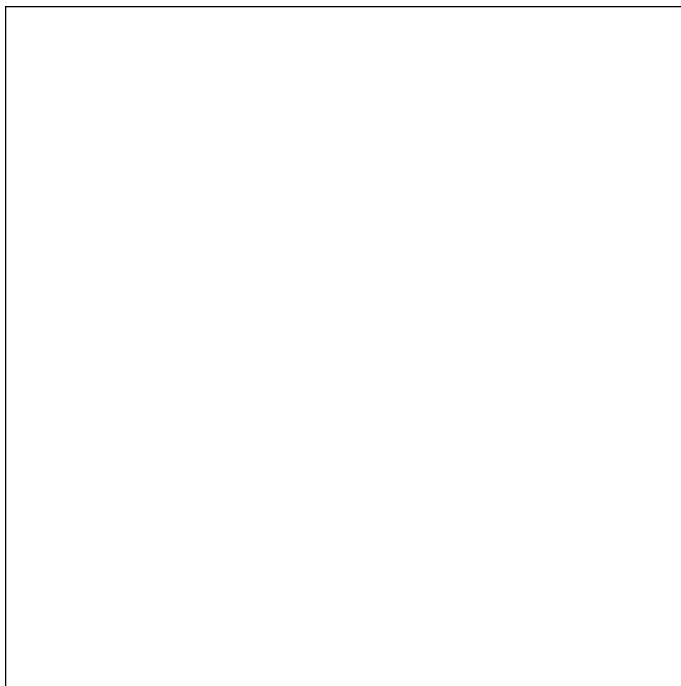
مَنْ مِی تَوَانَم بِا آبِ سَرْدِ وَ صَلا بُونِ آبِی بَدَبُو
کِنارِ بیا یَم.



وَ مُطْمَئِن مِی شَوَم کِه بَرادَرِ کَوچَکَم تَلام
أَخبارِ مَرَبوطِ بِه مَدْرِسِه را مِی داند.

را بښد.

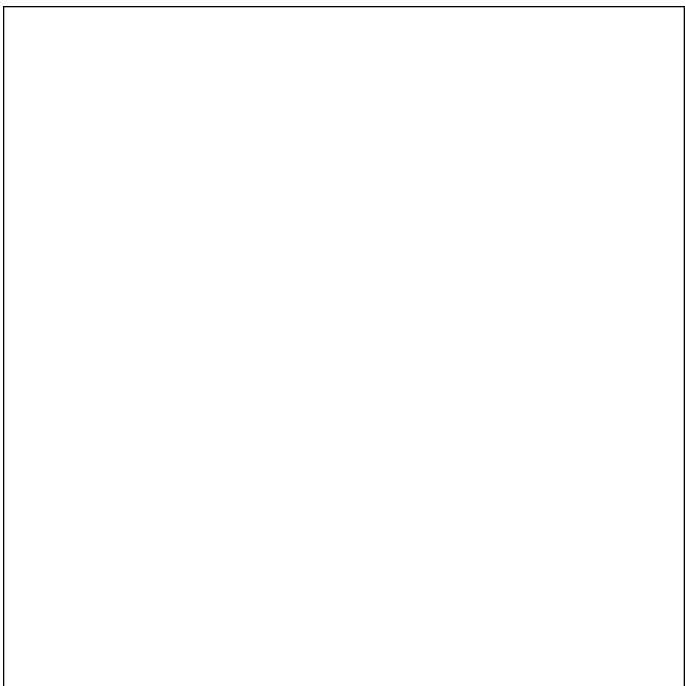
من یتوانم دکمه هاتمه و سگ کفش هاتمه



“من اهرگا”

را فراموش نکني. من به مدرم می گویم،

مدرم به من یادآوری می کند، “مسواک زدن





بَعْدَ أَزْ شُسْتَنَ، مَن بَه پَدْرُبُزْرَگ و آنْتی سَلام
می‌کُتَم و دَاشْتَنِ رُوزی خُوب رَا بَرَاپِشَان
آرْزُو می‌کُتَم.



بَعْدَ خُودَم بَه تَنهَایِ لِبَاس هَایِم رَا
می‌پُوشَم، و می‌گُویَم، “مَن بُزْرَگ شُدَم
مَلاَمَن.”